

مسیح مهاجری، مدیرمسئول روزنامه جمهوری اسلامی:

آقای هاشمی گفتند خوب علیه ما می نویسید

گروه سیاست: حجت‌الاسلام مسیح مهاجری، ۳۷ سال است که مدیرمسئولی روزنامه «جمهوری اسلامی» را برعهده دارد. او با «ایسنا» در مورد این روزنامه، واکنش‌ها به مطالب روزنامه و کم‌رنگ شدن تصاویر و سخنان امام خمینی (ره) در صداوسیما....

صفحه ۲



سه‌شنبه ۲۳ مرداد ۱۳۹۷ | ۲ ذی‌الحجه ۱۴۳۹ | ۱۴ آگوست ۲۰۱۸

تیتراها

آغاز مذاکره تحدید حدود خزر از آبان

ماجرای سهم تاریخی ایران از خزر

صفحه ۱۵

گفت‌وگو با افشین حبیب‌زاده، عضو شورای شهر

با املاک شهرداری به اسم حسینییه مبل فروشی زده‌اند

صفحه ۱۲

پاسکاری مطالبات مزدی میان ۲ قوه

صفحه ۴

رئیس دانشگاه امیرکبیر:

تعهدی برای استخدام افرادى که بر مبنای روابط بورسیه شدند، نداریم

صفحه ۱۳

واکنش اتحادیه واردکنندگان دارو به یک گزارش

صفحه ۱۳

حرف اول

۱۶۰ دستگاه تولیدکننده مقررات؟!

بایزید مردوخی - اقتصاددان



در آیه یازدهم سوره رعد آمده است: «خداوند سرنوشت هیچ قومى را تغییر نمى‌دهد؛ مگر اینکه آنها خود سرنوشت‌شان را تغییر دهند». بارها گفته

شده جهان به عقب نگاه نمی‌کند. بعد از بحران مالی ۲۰۰۸، جهان انرژی عظیمی را برای برگشت به روزهای گسترش سریع اقتصادی از دست داد. این فرضیه باطل که چالش‌های جهانی بعد از بحران فقط رخ داده‌هایی موقتی خواهند بود، سیاست‌هایی را به بسیاری از اقتصادها دیکته کرد؛ بدون آنکه به مشکلات کلیدی مانند بی‌کاری بالا و نابرابری رو به افزایش بپردازد، بهبود اندکی را به بار آورد. دوران پسابحران به سر آمده و «جهان پسا- پسابحران» جلوه‌گر شده است. اینک زمان آن رسیده که مدیران رده‌های مختلف و کارشناسان اقتصادی درباره اتخاذ چارچوب‌های جدیدی از راه‌حل‌های واقع‌بینانه معطوف به ارتقای رفاه مشترک در اقتصاد امروز و فردا اقدام کنند. در چهار یادداشت متوالی در روزنامه «شرق» دلیر سرفصل «اصلاح نظام تدبیر» نکاتی بیان شد که با خوردهای متفاوتی به همراه داشت. در این یادداشت کوتاه که به‌نوعی خاتمه این سلسله‌یادداشت‌ها محسوب می‌شود، به نیروی پیشران این دوره که «تغییر فناوری» است، می‌پردازم. همان‌طور که انقلاب صنعتی پتانسیل تولیدی جوامع را در قرن‌های نوزدهم و بیستم متحول کرد، موج جدیدی از شگفتی‌های فناوریانه در حال دگرگون‌کردن پویایی‌های اقتصادی و اجتماعی امروز است. تفاوت این انقلاب با انقلاب صنعتی این است که تأثیر آن حتی بزرگ‌تر از انقلاب صنعتی است. سیاستمدارهای کشوری که بخواد از منافع تغییرهای سریع و گسترده برخوردار شود، باید تمامیت زیست‌بومی را که این تغییر در آن رخ می‌دهد، مورد توجه قرار دهند و تضمین کنند که دولت، بخش خصوصی و کل جامعه در مدیریت تغییر سهمیم باشند. در این دنیا تغییر هیچ چیزی را نمی‌توان از نظر دور داشت. هر قانون و قاعده و هر اقدام و استناداری باید مورد بازاندیشی قرار بگیرد. هر صنعتی با خطر نابودی مواجه خواهد بود. انقلاب فناوری جاری، فقط نوع تولید و چگونگی آن را تغییر شکل نمی‌دهد؛ بلکه به طور بنیادی افراد، عادت‌ها، منافع و جهان‌بینی جوامع و کشورها را نیز تغییر می‌دهد.

ادامه در صفحه ۴



روزنامه

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس خبر داد

پشت پرده اعتراضات دی

۷۶ درصد فراخوان‌های اعتراضات دی‌ماه را ذی‌نفعان مؤسسات مالی دادند

شرق: کاظم جلالی در نشستى که به منظور گرامیداشت روز خبرنگار در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی برگزار شد، به برخی سؤالات از جمله اعتراضات دی‌ماه، مؤسسات مالی غیرمجاز و... پرداخت. رئیس فراکسیون مستقلین مجلس در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه آیا این مرکز درباره اعتراضات اخیر و منشأ و خاستگاه آن بررسی‌هایی را انجام داده است، گفت: «ما گزارش مفصلی درباره اعتراضات

واعظی:

حساب لاریجانی را از مجلس جدا می‌دانیم



صفحه ۲

یادداشت

پولتان ارزش کار کردن ندارد

۶ ماده ۹۷۶ هر رز تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند، به تابعیت شوهر درمی‌آید. این آمارها مربوط به اطلاعات رسمی آماری است؛ اما واقعیت به کلی با آمار رسمی متفاوت است. بخش عمده مهاجران از روستاها و مناطق عمدتاً فارسی‌زبان افغانستان هستند و به لحاظ وضع افغانستان عمدتاً بی‌سواد بوده و در بخش کارگری مشغول به کار هستند. وقتی ساخت‌وساز مسکن در ایران رونق دارد، وضع کارگران افغانستانی از نظر اشتغال خوب است. با توجه به سخت‌گیری نیروی انتظامی، آنان بیشتر در مراکز و مناطقی مشغول به کار می‌شوند که از نظارت نیروی انتظامی دور باشد. گاو‌داری‌ها و مرغداری‌ها و مزارع کشاورزی مقصد نهایی آنان است؛ هرچند دیگر مشاغل از قبیل نگهبانی، خفر چاه و کار در کارگاه‌هایی که خارج از شهرها قرار دارند نیز مورد علاقه آنان است. مهاجران افغانستانی را باید در دو گروه قرار داد. آن‌ان تعدادی که ارتباط مالی با افغانستان ندارند و آن بخش که باید هر چند مدت یک بار مبالغی پول به افغانستان بفرستند. افت‌وخیز قیمت دلار ربطی به گروه اول ندارد و فشار اقتصادی را مانند ایرانیان تحمل می‌کنند؛ اما گروه دوم، مهاجرانی هستند که وابستگی کامل به نوسانات ارزی دارند و با بالارفتن قیمت ارز، به گفته خودشان «دیگر ماندن در ایران صرفه‌ای ندارد». یکی از آنان می‌گوید: «پول شما بی‌ارزش است. نمی‌توانیم با پول بی‌ارزش شما سر کنیم. عازم ترکیه هستم؛ هرچند پول آنها هم دیگر ارزش سابق را ندارد؛ اما قابل مقایسه با پول شما نیست و مهم‌تر اینکه مثل مأموران انتظامی شما گیر نمی‌دهند. فرستادن پول هم از ترکیه به افغانستان راحت‌تر است. دوستانم در ترکیه کار ساختمانی و جاده‌سازی گرفته‌اند. هر چقدر

نیرو باشد، احتیاج دارند». می‌برسم خروج از مرز را چه‌کامی می‌کنند، می‌گوید: «ما فرزند رنجیم، زندگی من که هیچ، پدر و پدرزگرم هم در فرار و قاچاق از مرز روزگار گذرانده‌اند و با پای پیاده چندین بار مرز ایران و افغانستان و پاکستان را طی کرده‌ام. حالا هم باید مرز ترکیه را امتحان کنم. برادرم از مرز تاجیکستان به اروپا رفته و در روسیه هم افغانی هست، ما همه‌جا به ترک‌های آن همین مهاجرانی هستند که از این مرز به آن مرز و از این خاک به آن خاک پرت می‌شوند. اما ایران خاکی دامن‌گیر دارد. تا دیروز باوجود همه بی‌مهری‌ها، مثل خاک خودمان بود. اصلاً خاک خودمان است؛ من در افغانستان غریه‌ام، به ایران بود که پدرم طالب مادرم شد و پول او را برداخت، من در ایران به دنیا آمدم. نه ورقه هویتی نه شناسنامه‌ای نه نامی...

ادامه در صفحه ۶

راهکار ارزی ترکیه برای پیروزی در جنگ تجاری با آمریکا

سقوط لیر دغدغه هرروزه ترک‌ها

گروه جهان: روز دوشنبه، اولین روز هفته در ترکیه، بار دیگر با خبری بد برای اقتصاد و در نتیجه مردم این کشور آغاز شد: سقوط ارزش لیر (پول رسمی ترکیه) در برابر دلار آمریکا. صبح دوشنبه و با شروع کار بازارهای حوزه آسیا-اقیانوسیه، لیر ترکیه...

صفحه ۷



سال پانزدهم | شماره ۳۲۲۰ | ۱۶ صفحه | ۲۰۰۰ تومان

سرمقاله

کدام تدبیر؟

سیدمصطفی هاشمی‌تبا



یکی از مشکلات انسان آن است که در جایگاه عاریتی بدون آنکه تسلطی بر مجموعه‌ها داشته باشد، احساس تسلط کاذب به او دست می‌دهد. این طبیعت جاری و ساری در انسان‌هاست. داستان تک‌نرخ‌کردن ارز در همین مقوله می‌گنجد. بانک مرکزی در پنج سال گذشته با تقلید از برخی کشورها و بدون آنکه به شرایط مالی و اقتصادی و اجتماعی کشور توجه کند، به خیال خود سیاست تک‌نرخ ارز را در پیش گرفت؛ درحالی‌که به حکم منطق از همان اول معلوم بود این سیاست به ناکامی منتهی می‌شود؛ اما تصورات غلط از تئوری‌های انتزاعی اقتصادی باعث شد میلیاردها دلار ارز از کشور خارج شده، بدون آنکه به اقتصاد کشور کمکی شود و تزلزل شدید بازار و اقتصاد کشور را در پی داشت. در این مقوله می‌توان گفت اول مسئولان بانک مرکزی ارزش و بهای ارز را که به آن پول قوی (Hard currency) می‌گویند و نقش آن در اقتصاد کشور را درک نکرده بودند (این حرف طبق قاعده حرف سخیفی درباره بانک مرکزی است؛ ولی نمی‌توان نگفت) و ثانیاً به جامعه و بازار و اوضاع پولی و مالی کشور بی‌اعتنا بودند. ارز یعنی خون اقتصاد کشور و هر دلار آن که با زحمت بسیار عمدتاً از فروش نفت حاصل می‌شود، نتیجه کار بسیار شاق در صنعت نفت اعم از اکتشاف، استخراج و انتقال آن است و یک بار این ارز گران‌قیمت به‌ویژه در دوران تحریم‌ها در دولت‌های نهم و دهم به‌سادگی هدر داده شد؛ ارزی که باید صرف سازندگی و ارتقای اقتصاد کشور شود. جامعه و اقتصاد آن گویی برای برخی ناشناخته است و فراموش کرده‌اند بهمن نقدینگی به هر سو میل کند، ازجمله به سوی ارز، آن را می‌بلعد. به‌هرحال بخشی از مردم جذب جاذبه‌های بیرونی شده و مایل‌اند مایملک خود را به آن سوی آب منتقل کنند و این جز از راه تبدیل دارایی‌ها به ارز میسر نیست، حجم ۲۰ یا ۳۰ میلیارددلاری قاچاق نیاز به ارز دارد که بتواند به کار خود ادامه دهد. با این ارزش‌ناشناسی ارز و با این نبود شناخت و بودن فراموشی، ارز به بازار تزریق می‌شد. البته دولت حسب قانون باید ارز بفروشد تا درآمد حاصل از آن را طبق قانون بوجه سنوایی به مصرف حقوق و مزایای خیل عظیم حقوق‌بگیران و یارانه‌بگیران برساند؛ ولی باید تدبیر کند که آن را به چه کسانی بفروشد که موجب تعالی اقتصاد کشور شود. اعلام خروج آمریکا از معاهده برجام به‌نوعی موجب هجوم خریداران ارز شد. انگیزه‌های مختلفی در این امر دخالت داشت و ناگهان بانک مرکزی سیاست‌های تک‌نرخ‌شدن شناسور ارز را به فراموشی سپرد و با اعلام نرخ ثابت ارز و محدودیت‌های بسیار برای دریافت آن، شوک جدیدی به اقتصاد کشور وارد کرد. بانک مرکزی باید ارز حاصل از صادرات را خود خریداری کند. بانک مرکزی می‌تواند برای کالای اساسی یک نرخ و برای فروش ارز صادراتی نرخ معینی داشته باشد و خود اقدام کند. فسادی که از سیاست جدید اعلام‌شده از طرف بانک مرکزی به وجود می‌آید، کمتر از فساد قبلی نیست. بانک مرکزی باید سیاست صریح، ساده و روشن را در پیش بگیرد تا در این وانفاسی تحریم‌های جدید، جامعه و اقتصاد روی آرامش را به خود ببیند. در این تصمیم‌گیری گفته شده به جز ارز کالای اساسی و دارو، بقیه متقاضیان از بازار آزاد را با محدودیت‌ها، ارز توافقی بگیرند. اگر چنین باشد، کارخانجات متعدد با توافق‌های مختلف محصولات باقیمت‌های متفاوتی تولید می‌کنند و باید در یک سباقه ارزشی قیمت‌ها را بالا ببرند یا عطای تولید را به لقای بانک مرکزی ببخشند. چه کسی پاسخ‌گوی بی‌کاری کارگران کارخانجات خواهد بود و عجیب است که وزارت صنعت دراین‌باره بی‌تفاوت است.

ادامه در صفحه ۶

یادداشت

بار دیگر دریای خزر

دلیل قراردادن بندر تجاری در سواحل ایران آن را خلیج یا سینوس پارسی نامیدند. دوست ارجمند ما دکتر ملکی «مصالحه با همسایه شمالی را به «صلحت» دانسته‌اند، زیرا گویی «منابع نفتی آن چندان امیدبخش نیست»؛ ضمن اینکه نگارنده با نتیجه برآمده از یادداشت ایشان یعنی لزوم رسیدن به توافق واقعی طبق ضوابط بین‌المللی موافق است، با منطق ذکرشده موافق نیستم، زیرا حقوق ارضی با توجه به منافع ملی با توجه به واقعیات و مقتضیات زمان و جهان قابل ارزیابی است اما ملاک آن بودن یا نبودن منابع نفت و نظیر آن نیست. زمانی از من پرسیدند تو که خودت به حقوق ۵۰ درصدی ایران در آن دریا اعتقاد نداری، اگر وزیر خارجه بودی، چه می‌کردی؟ عرض کردم چنان از احساسات ناسونالیستی فراحقوقی ایرانیان بیمناکم که شخما تصمیم نمی‌گرفتم. اما همان ۲۵ سال پیش موضوع را با توافق به داوری به دادگاه لاهه واکذار می‌کردم تا به همان نتیجه مورد قبول خودم برسم و ۲۵ سال برای ارتباط بهتر با همسایگان و بهره‌برداری مناسب جلوتر بودیم! احساسات میهن‌پرستانه استاد محترم سرتپ سعید ملک‌زاده که حدود ۲۵ سال پیش نیز مقاله‌ای دراین‌باره در همشهری نوشته بودند، در مقام مقام سربازی قابل ستایش است، اما اکنون در مقام استادی می‌توانند به واقعیات استناد کنند. ایشان از «رژیم حقوقی دریاچه مازندران در لبه پرتگاه» گفته‌اند. نام نسبتاً رایج مازندران با خصوصیت سربازی ایشان برازندگی دارد و خوب هم هست، منظور از دریاچه، گاردگرفتن در مقابل این ادعاست که از حقوق بین‌المللی دریاها نام برده نشود.

ادامه در صفحه ۶



فریدون مجلسی
تحلیلگر روابط بین‌الملل

مطرح‌شدن دوباره تنظیم رژیم حقوقی دریای خزر بار دیگر بحث‌هایی را دراین‌باره برانگیخته است. در صفحه اول روزنامه «شرق» شنبه ۲۰ مرداد ۱۳۹۷، دو یادداشت از دو استاد ارجمند آمده بود که نگارنده را با توجه به پیشینه دیپلماتیک خود به اظهارنظر صریح دراین‌باره واداشت. هرچند می‌دانم که احساسات بیشتر ایرانیان بیش‌از‌حد ناسیونالیست را جریحه‌دار می‌کند. آقای عباس ملکی که پیشینه پژوهشی طولانی دراین‌باره دارند، به‌درستی نام دریا و خزر را به کار برده‌اند. البته گذاشتن اسامی ایرانی مانند استرآباد، مازندران و گیلان که گهگاه نامی هم از آنها آمده است، برای احساسات ناسونالیستی خاصیت تخریدی بیشتری دارد. اما باید توجه داشت که ساحل‌نشینان دریاها را بیشتر به نام اقوام آن سوی آب می‌نامیدند. در ایران باستان می‌دانستند که در آن سو خزرها زندگی می‌کردند و بارها طعم یورش‌های دریایی و تاراج‌های آنها را چشیده بودند. در آن سو هم دریا را به نام اقوام ایرانی کاس و کاسپین می‌شناختند و دیگران در زبان‌هایشان هنوز هم آن را به همین نام، دریای کاسپین یا بحرالقزوين می‌نامند. درباره خلیج فارس هم اتفاقا عرب‌های دریانورد بودند که ساحل مقابل خود را که دارای بندر و تجارت و ثروت بود، بحر یا خلیج فارس نامیدند و یونانی‌ها و دیگران نیز به

همراهان امروز روزنامه شرق

رجوع به صفحه ۵

رجوع به صفحه ۲



رجوع به صفحه ۳



سازمان آگهی‌ها

۸۸۱۹۲۸۷۷-۸۸۷۹۲۴۳۴